

تحلیلی بر باز نمود گفتمان مشروعیت وبری در متن رسانه‌ای مطالعه موردی مستند «سفر انقلابی»*

علی اصغر سلطانی¹

سبحان یحیائی²

دریافت 1388/4/15 تایید 1388/6/15

چکیده

این نوشتار، با تعریف دوگانه گفتمان مشروعیت سیاسی، به گفتمان وبری و گفتمان فوکویی، به بازشناسی چگونگی پرداخت رسانه‌ای در جهت تسری گفتمان خودی در باب مشروعیت سیاسی می‌پردازد. مطالعه موردی این مقاله را مستند گزارشی «سی.ان.ان» با عنوان «سفر انقلابی» از کریستین امان‌پور تشکیل می‌دهد. چارچوب نظری این مقاله را آراء نورمن فرکلاف تشکیل می‌دهد که با روش تحلیل گفتمان انتقادی، سعی بر آن دارد وجوهی از شکل‌گیری گفتمان را مورد واکاوی قرار دهد. نویسندگان با توجه به تحلیل گفتمان انجام شده نتیجه می‌گیرند که در زمان تولید متن رسانه‌ای مورد مطالعه، متون رسانه‌ای گفتمان اصلاح‌طلبی و گفتمان محافظه‌کاری در جامعه ایران، منجر به شکل‌گیری خوانش گفتمانی از سوی سایر رسانه‌ها و مخاطبان می‌شود که نسبتی با این دو گفتمان قدرت در جامعه ندارد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، مشروعیت وبری، مشروعیت فوکویی، اصلاح‌طلب، محافظه‌کار، متن رسانه‌ای «سی.ان.ان».

Revolutionary journey

*. از کریستین امان‌پور - «سی.ان.ان»

aasultani@yahoo.com

1. عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم

2. دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات در دانشگاه تهران sobhan.yahyaie@yahoo.com

مقدمه

وقتی ارنست کاسیرر می‌گفت؛ «کارکرد آغازین مفاهیم زبانی، شامل مقایسه تجربه‌ها و گزینش برخی اوصاف مشترک نیست، بلکه تمرکز بر این تجربه‌ها و تثبیت آن‌ها در یک نقطه است که کارکرد این مفاهیم را تشکیل می‌دهد» (کاسیرر، 1366: 88)، هنوز نه مفهوم گفتمان طرح شده بود و نه ادبیات آن شکل گرفته بود. او تنها در شناخت کارکرد زبان در تجلی اسطوره، سخن می‌گفت. اما شناخت گفتمان، امری نوین نیست، بلکه تنها در دهه‌های اخیر با بیان علمی به قلمرو علم درآمده است و پنجره‌ای با عمق میدان ژرف را بر روی مطالعات زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان، پژوهشگران علوم سیاسی، ارتباطات و دیگر شاخه‌های علوم انسانی گشوده است.

در بحث پیرامون گفتمان‌های علمی، پشو معتقد است که کاربست و گفتمان علمی برای مشخص ساختن امر واقعی از یک موضوع ایدئولوژیک عمل می‌کند. هر علم در پیوند با یک موضع ماتریالیستی قرار دارد و گفتمان علمی، معناداری‌اش را از ارجاع به موضع مذکور وام می‌گیرد (پشو¹، 1982: 141). تعریف گفتمان مشروعیت در قلمرو علوم سیاسی قرار می‌گیرد. در اینجا برآنیم که یک مفهوم سیاسی را در لایه‌های یک متن رسانه‌ای که در قالب یک تحلیل گفتمان ارتباطی جای دارد، جستجو کنیم. بنابراین شالوده این مقاله، بر زمین علم ارتباطات نشسته است. هر چند به گفته جورج ارول (1964: 154) «در عصر ما، راهی برای گریز از سیاست نیست. همه مسائل، مسائلی سیاسی‌اند» (به نقل از سلطانی، 1379: 13).

در باب مشروعیت سیاسی، دانشمندان و عالمان علوم سیاسی، بسیار داد سخن داده‌اند، اما آنچه شایان توجه است، استفاده از گفتمان‌های علمی متفاوت در متون رسانه‌ای با اهداف متفاوت، در جهت صدر نشینی و ارج‌بینی گفتمان ایدئولوژیک خودی، و زوال گفتمان‌های رقیب است. رسیدن به این شناخت، به معنای پایان دادن به افسانه بی‌طرفی علمی متون رسانه‌ای است.

به‌طور مثال، یک سازمان رسانه‌ای را در نظر آوریم که در نگاه به مشروعیت سیاسی از سویی پیرامون دولت - ملتی رقیب، گفتمان وبری را مسلط کند و همه را در دو گروه حاکم و محکوم ببیند. قدرت را متمرکز در دست فرمان‌روایان بداند و فرمان‌برداران را ناگزیر از گردن نهادن معرفی کند. حال همین سازمان رسانه‌ای از دیگر سو در تولید متن رسانه‌ای در مورد مشروعیت سیاسی دولت - ملت خود، یا دولت - ملتی خودی، گفتمان فوکویی را برگزیند و

1-pecheux

قدرت، را امری متکثر و سطح‌بندی شده در لایه‌های مختلف جامعه معرفی کند. طبیعی است آنچه منتج از این متون رسانه‌ای خواهد شد، نشان دادن بی‌اعتباری هر دو گفتمان علمی مشروعیت سیاسی، در نظر آن سازمان رسانه‌ای است. و این به معنی آن است که گفتمان علمی تنها وسیله‌ای در جهت پیشبرد ایدئولوژی مسلط خواهد بود.

بیان مسئله

دغدغه این مقاله، بازشناسی چگونگی پرداخت رسانه‌ای در جهت تسری گفتمان خودی در باب مشروعیت سیاسی است. سؤال اصلی مقاله حاضر، این است که سازمان‌های رسانه‌ای بین‌المللی نظیر «سی‌ان‌ان» در متون رسانه‌ای‌شان، چگونه در جهت همه‌گیر کردن گفتمان خود، که برساختی از ایدئولوژی ساخت رسانه است، عمل می‌کنند؟

در واقع، آنچه در این مقاله اهمیت دارد، تحلیل متن رسانه‌ای برای رسیدن به دریافتی از واکنش مخاطبان آن است. باید در نظر داشت که متن تلویزیونی یا سینمایی در خلأ، به تولید گفتمان دلخواه دست نمی‌زند، بلکه تنها گفتمان متروک در حوزه عمومی را، دوباره به میدان می‌آورد و بازسازی می‌کند. به گفته فرکلاف، این بازسازی گفتمانی به دلیل وجود تضادهایی در عمل اجتماعی، که مردم را بر سر دو راهی قرار می‌دهند، ظهور پیدا کنند و مردم نیز برای خروج از تگنا، قراردادهای موجود در گفتمان را با شیوه‌های نویی با یکدیگر می‌آمیزند و در نتیجه آمیزه ناهمگونی از صورت و معنی در متون سر بر می‌آورد (فرکلاف، 1379: 23).

چارچوب نظری

رویکرد تئوریک مقاله حاضر را، دیدگاه‌های نورمن فرکلاف تشکیل می‌دهد که از چهره‌های شاخص تحلیل انتقادی گفتمان است. در واقع این مقاله در حال و هوای زبان‌شناسی انتقادی نگاشته شده است که براساس روابط قدرت و ایدئولوژی به تبیین ویژگی‌های خاص زبانی گفتمانی معین می‌پردازد. در اینجا، هدف تحلیل بازنمود گفتمان مشروعیت سیاسی وبری در متن رسانه‌ای است.

فرکلاف، از تعبیر بازنمود گفتمان، به جای گزارش کردن گفتار استفاده می‌کند، زیرا نه تنها نوشتار نیز مانند گفتار ممکن است بازنمود شود، بلکه همیشه به جای گزارشی شفاف از یک نوشته یا گفته، ما با تفسیر و بازنمود جهت‌دار آن مواجهیم (فرکلاف، 1379: 71). در واقع، هدف این مقاله آن است که نشان دهد؛ که هر متن رسانه‌ای در سایه ایدئولوژی تهیه‌کنندگان

آن، تولید می‌شود. بنا به گفته فرکلاف، ایدئولوژی عمدتاً در ناگفته‌ها جای دارد (فرکلاف، 1379: 21). او اشاره می‌کند که ایدئولوژی‌ها در جریان رخداد‌های گفتمانی واقعی به وجود می‌آیند و تغییر شکل می‌یابند (فرکلاف، 1379: 23).

در دیدگاه فرکلاف، گفتمان سیاسی به عنوان یک نظم گفتمان فهم می‌شود، نظامی که مرتباً در درون فرایندهای بزرگتر تغییر اجتماعی و فرهنگی در حال تغییر است، این نظم، خود رسانه‌ها و سایر عرصه‌های اجتماعی‌ای را که با آن پیوند دارند، تحت تأثیر قرار می‌دهد (فرکلاف¹، 1998).

در اندیشه فرکلاف، قدرت در گفتمان سیاسی در قالب نزاع قدرت حضور دارد، و برای دستیابی به هژمونی به دو صورت وارد عمل می‌شود (فرکلاف، 1998)؛

1. از درون نظم گفتمان نظام سیاسی، در قالب مفصل‌بندی کردارهای گفتمانی گوناگون
 2. از بیرون و در قالب مفصل‌بندی نظام‌ها و نظم‌های گفتمان گوناگون
- از نظر فرکلاف، سیاست رسانه‌ای شده، یکی از بخش‌های مهم سیاست امروز است؛ رسانه‌ها، جایگاهی آشکار برای فهم فرایندهای جبری بیرونی، در گفتمان سیاسی حرفه‌ای دارند. باید در نظر داشت که خصیصه سیاست، تعامل آن با نظام‌های گوناگون اجتماعی است. به عبارتی، تعامل نظام سیاسی (نظام سیاست حرفه‌ای رسمی - احزاب سیاسی، مجلس و غیره) با نظام اجتماعی و اقتصادی (هلد²، 1987). فرکلاف نیز با استناد به تعریف هلد، عقیده دارد؛ ماهیت در حال تغییر سیاست را، می‌توان از طریق روابط در حال تغییر نظم‌های گفتمان کشف کرد.

روش تحقیق

روش مطالعاتی مقاله حاضر، تحلیل گفتمان انتقادی با استفاده از آراء فرکلاف است. فرکلاف معتقد است که؛ برای آنکه در تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها در عین مجهز بودن به تحلیل درونی، به شرایط تاریخی - اجتماعی نیز مسلط گردیم، به کانون تمرکز دوگانه‌ای نیازمند هستیم (فرکلاف، 1998)؛

1. تمرکز بر رویدادهای ارتباطی؛ رویداد ارتباطی نمونه‌ای از کاربرد زبان است. مثلاً یک سرمقاله یا داستان خبری در روزنامه، یک گزارش ویدئویی و یا یک سخنرانی سیاسی و مانند آن، هرکدام یک رویداد ارتباطی‌اند.

1-Fairclough

2-Held

2. تمرکز بر نظم سیاسی گفتمان؛ نظم گفتمان سیاسی ترکیب‌بندی ساختارمند ژانرها و گفتمان‌هایی است که گفتمان سیاسی را می‌سازند، نظامی – که البته باز و در حال شیف‌ت کردن است- که گفتمان سیاسی را در یک بازه زمانی خاص، تعریف و محدودیت‌گشایی می‌کند.

با استفاده از رویکرد فرکلاف، در تحلیل گفتمان انتقادی با یاری سه نوع تحلیل، سعی می‌کنیم برقراری پیوند میان کردارهای اجتماعی و فرهنگی، با آنچه که متن شامل آن می‌شود را، مطالعه کنیم. این سه نوع تحلیل عبارتند از (فرکلاف، 1998)؛

• تحلیل متن (گفتاری، نوشتاری، یا در برگرفته ترکیبی از نشانه‌های صوری مثل متن تلویزیونی)

• تحلیل کردارهای گفتمانی تولید، توزیع و مصرف متن

• تحلیل کردارهای اجتماعی و فرهنگی‌ای که کردارهای گفتمانی و متون را شکل می‌دهند.

تعریف مفاهیم نظری

مشروعیت سیاسی: در تعریف مشروعیت، می‌توان گفت که "مشروعیت همان اصلی است که دلالت می‌کند بر پذیرش همگانی دست یافتن شخص یا گروه معینی به مقامی سیاسی؛ از راه اعمال قدرت، یا در برخی موارد ویژه بر این اساس که اعمال قدرت برای دستیابی به آن مقام که با اصول و رویه‌های عمومی اجرای اقتدار هماهنگ است" (عالم، 1380: 106). به سخن دیگر، مشروعیت سیاسی عبارت است از؛ پذیرش قلبی حکومت، حاکمان و نظام سیاسی از طرف حکومت‌شوندگان (نقیب‌زاده، 1384: 154).

هابرماس، در خصوص معنای مشروعیت، می‌گوید (هابرماس، 1380: 123): "مشروعیت به معنای تایید و به رسمیت شناختن شایستگی یک نظم سیاسی است"، و این چیزی نیست جز درستی و صحت ادعاهای آن مبنی بر عادلانه و بر حق بودن؛ به عبارت دیگر، مشروعیت عبارت است از هر پدیده یا امر، که ارزش به رسمیت شناخته شدن و تأیید و حمایت از سوی حوزه عمومی یا افکار عمومی را داشته باشد. تعریف هابرماس از مشروعیت، که عمدتاً از مشروعیت نظم سیاسی حکایت دارد، مبین آن است که مشروعیت یک داعیه اعتباری¹ است که حاکی از اعتبار، اقتدار، هنجاری بودن، ارزشمند بودن یا عدم آن‌هاست. بر این مبناء، ثبات و پایداری نظم مسلط منوط به شناسایی موقت آن است. بدین ترتیب، این مفهوم عمدتاً در ارتباط با موقعیت-

1-validity claim

هایی مطرح می شود که در آن مشروعیت یک نظام یا نظم، مورد مناقشه قرار گرفته یا زیرسؤال رفته باشد، که در آن صورت می گوییم معضلات یا بحران های مشروعیت سر بر آورده اند. این جریان به صورت فرایند یا روندی رخ می نماید که طی آن، یک طرف منکر وجود مشروعیت است و طرف دیگر، مدعی وجود مشروعیت بوده و به آن اصرار می ورزد. بنابراین، می توان اذعان کرد که مشروعیت سیاسی، امری مبهم و در عین حال آسیب پذیر است (نقیب زاده، 1384: 154). این همان امری است که بحران مشروعیت را محتمل، و احتمال وقوع آن را خطرناک جلوه می دهد.

بحران مشروعیت: ارائه دوگانه گفتمان مشروعیت از سوی رسانه، می تواند مخاطب را دچار سردرگمی و مواجهه با ارزش های متباین نماید. فقدان گفتمان مسلط، به جای آن که تکثر گفتمانی در مخاطب ایجاد کند، او را دچار نگاه بی اعتباری به گفتمان های مطرح شده می کند. با فراگیر شدن این معنا، درباره گفتمان مشروعیت سیاسی، می توان از بحران مشروعیت در حوزه عمومی سخن گفت. هابرماس، برخی از عوامل بروز بحران مشروعیت در نظام های سیاسی را چنین نام می برد:

1. عدم توجه به قوانین اساسی
2. جلوگیری و ایجاد مانع در راه مشارکت سیاسی و اجتماعی
3. ضعف حکومت کنندگان در انجام وعده ها و برنامه های در دست اجرا
4. بالا رفتن توقعات و انتظارات مردم از حکومت کنندگان و عدم تطابق توانایی حکومت کنندگان با توقعات مردم
5. بروز شکاف بین حکومت موجود و حکومت دلخواه مردم
6. عدم جلب و جذب اقشار روشن و آگاه (هابرماس، 1380)

می توان گفت که؛ نقش رسانه ها در دو مورد از موارد فوق بسیار پررنگ است. رسانه ها رابطه نزدیکی با توقعات و انتظارات مردم دارند و از دیگر سو، می توانند بازیگر اصلی در امحا و یا تعمیق شکاف بین حکومت موجود و حکومت مطلوب در حوزه عمومی باشند. آنچه منتج از بحران مشروعیت در جامعه می شود نیز، ذهن بسیاری از اندیشمندان سیاسی را به خود مشغول کرده است. دیوید هلد، معتقد است اگر تقاضاها و مطالبات مختلفی که از دولت می شد، به نحو مطلوبی برآورده نشود، دولت با بحران مشروعیت و عصیان روبه رو می شود. در این شرایط، ممکن است دوباره شاهد ظهور یک دولت قوی نظیر دولت های اقتدارگرای دهه های 1930 و 1940 باشیم (هلد، 1984: 124).

بنابراین، شناخت گفتمان‌های مسلط، می‌تواند نقش بسیار مهمی را در تحلیل متون رسانه‌ای ایفا کند و در نتیجه هر نظامی برای جلوگیری از وقوع بحران مشروعیت، می‌بایست در مسلط کردن گفتمان مشروعیت سیاسی مطلوب خویش، بکوشد.

گفتمان‌های مشروعیت سیاسی: در این‌جا دو گفتمان اصلی در حوزه دانش سیاسی، که محور متون رسانه‌ای سیاسی قرار می‌گیرند، تشریح می‌شود. منظور از گفتمان‌های اصلی، گفتمانی است که بیشتر مورد پرداخت و استناد محافل دانشگاهی و علمی در عصر حاضر قرار می‌گیرد. حال ممکن است اشتراکات و تفاوت‌هایی نیز با دیگر گفتمان‌های مشروعیت سیاسی داشته باشد که با توجه به مجال مقاله، از آن درمی‌گذریم. گفتمان وبری و گفتمان فوکویی، دو گفتمانی هستند که بنای این مقاله را، بر استفاده از آن‌ها است.

گفتمان وبری: برداشت ماکس وبر از قدرت، رابطه‌ای الزام آور بین دو گره حاکم و فرمان‌بردار است که در این چارچوب، دسته نخست، گروه دوم را تابع و مطیع اراده خود می‌کند و فرمان‌بردار نیز اطاعت از حاکمان را حق و مشروع تلقی می‌نماید. آنچه در این تعریف مهم است، رابطه نابرابر، اجتماعی بودن قدرت و پیوند آن با مشروعیت است (فیرحی، 1378: 20).

وبر، سه نوع مشروعیت عقلایی، سنتی و کاریزماتیک را به رسمیت می‌شناسد. در این گفتمان، مشروعیت سنتی با سنت‌ستیزی در حوزه عمومی به گونه‌ای ریشه‌ای، دچار امحا و زوال خواهد شد. در مشروعیت فره‌مندی، با شکل‌گیری قهرمان‌ستیزی در حوزه عمومی، مشروعیت کل سیستم زیر سؤال رفته و خدشه‌دار می‌شود. در مشروعیت عقلایی نیز با عقل‌ستیزی و قانون‌ستیزی جامعه، مشروعیت کل سیستم از بین می‌رود و تمام زیر شاخه‌های نظام سیاسی فاقد مشروعیت در حوزه عمومی خواهد بود.

ماکس وبر سلطه و مشروعیت سیاسی را دو روی یک سکه می‌داندست. سلطه، از نظر او متضمن این اقبال بود که حاکم یا حکومت، کسانی را برای اطاعت و پذیرش سلطه خود پیدا کند. بر این اساس، هر سلطه با میزان و نوعی از مقبولیت و پذیرش افراد زیر سلطه همراه است (نقیب‌زاده، 1384: 155).

در گفتمان وبری، مشروعیت، همان خصیصه‌ای است که بر قدرت سربار می‌شود و آن را از زور فیزیکی به اقتدار معنوی، ارتقاء می‌دهد؛ اقتدار، به عنوان یکی از ارکان دولت نوین، قدرت مشروع (یا کاربست مشروع قدرت) است.

به عبارت دیگر، تنها در صورتی می‌توان بر قانون‌مندی محض در حکم شاخص مشروعیت حساب کرد که کل نظام اقتداری دارای مشروعیت باشد. این امر بدان معناست که؛ اگر نظام

اقتدار نتواند مستقل از شکل حقوقی نحوه اعمال اقتدار، مشروعیت پیدا کند، در آن صورت، قالب حقوقی فنی - قانونمندی محض - نخواهد توانست به تنهایی، در بلندمدت تضمینی برای به رسمیت شناختن امور فراهم آورد (هابرماس، 1380: 212). به عبارتی، می‌توان گفت جوهر سیاست در انگاره وبر، به روابط سلطه‌آمیز کاهش می‌یابد و مشروعیت از دید او، یا رومی روم است یا زنگی زنگ.

گفتمان فوکویی: دیدگاه‌های وبر، به شدت با دیدگاه‌های اندیشمندان جدیدی چون میشل فوکو، میشل کروزیه و پی‌یر بوردیو در تعارض است. این متفکران نیز با تقسیم جامعه به حاکم و محکوم و فرمانروا و فرمان‌بردار مخالفند (نقیب‌زاده، 1384: 160). از نظر فوکو، قدرت بسیار خرد و پراکنده است و فقط در قالب سلطه نمی‌گنجد. فوکو، تجلی قدرت را در تمام سطوح زندگی می‌بیند.

فوکو قدرت را به مثابه بافتی از روابط تلقی می‌کند. بدین معنا که معتقد است؛ روابط قدرت در تمامی انواع ارتباطات، به صورت درونی وجود دارد و روابط انسانی را باید بر مبنای قدرت تفسیر کرد. به نظر فوکو، هیچ‌گاه نمی‌توان میان قدرت و معرفت یا حقیقت جدایی افکند. هیچ دانشی بیرون از قدرت وجود ندارد و هر قدرتی هم تافته‌یی از دانش را به همراه دارد. مفهوم قدرت، اگرچه به زعم فوکو، بسیار پیچیده و اساسی است اما در واقع همان رفتار و روابطی است که در میان انسان‌ها، خواه در مناسبات اجتماعی - سیاسی و خواه در روابط فردی صورت می‌گیرد.

افراد دیگری چون هانا آرننت نیز، از اختلاط مفاهیم متفاوتی چون قدرت، توانمندی، نیرو و اقتدار در انگاره وبر انتقاد می‌کنند. از نظر آرننت، مترادف دانستن قدرت با سلطه و خشونت، و تقسیم افراد به مطاع و مطیع و حاکم و محکوم یک خطای آشکار است (نقیب‌زاده، 1384: 160). به این ترتیب، می‌توان گفت که در این گفتمان، مشروعیت یک رابطه کلی نیست و سطوح متفاوتی دارد. به عنوان مثال؛ مردم ممکن است از قانون اساسی راضی باشند ولی حکومت فلان رئیس‌جمهور را برنتابند، یا اینکه رئیس‌جمهوری را بپذیرند و وزیری از اعضای کابینه او را نپذیرند.

مورد مطالعاتی

با رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی، سه نوع تحلیل را باید در دستور کار قرار دهیم که عبارتند از تحلیل متن، تحلیل کردارهای گفتمانی تولید، توزیع و مصرف متن و تحلیل کردارهای اجتماعی و فرهنگی‌ای که کردارهای گفتمانی و متون را شکل می‌دهند.

الف) تحلیل متن

«سفر انقلابی»¹ «سی.ان.ان»، امان پور²: 2000

درباره چگونگی مفصل‌بندی نظم گفتمان، در مستندی که در مقاله حاضر مورد مطالعه است، می‌توان هم‌آمیزی گفتمان‌های مختلف فرهنگی و سیاسی را دید، همچنین، ژانرهای مختلف مصاحبه، تصاویر آرشیو، مونولوگ‌های امان پور، تصاویر گزارشی، مورد استفاده و استناد قرار گرفته است.

برای تحلیل متن حاضر، نخست از فرجام فیلم سفر انقلابی آغاز می‌کنیم که گویی نتیجه‌گیری امان پور با روایتی که بر روی تصاویر دارد، به شکل روشنی بیان می‌شود؛ از زمانی که خاتمی رئیس‌جمهور شده است، حکومت ایران بین مذهب و دموکراسی وامانده است. به نظر من فصل آخر انقلاب ایران در حال شکل‌گیری است. به راستی چه طور تمام خواهد شد؟

به نظر بسیاری از افراد ایرانی که من می‌شناسم، هیچ راه بازگشتی نیست. ایرانیان بسیاری دعا کردند و زندگی‌شان را در خطر قرار دادند که اصلاحات صورت گیرد. مردم یک مجلس جدیدی را انتخاب کردند تا راه جدیدی را بروند. و حالا مردم ایران هم رئیس‌جمهور و هم مجلسی دارند که خواسته‌ها مردم را منعکس می‌کند. حادثه و اتفاقی که بعد از آن به وقوع می‌پیوندد، امتحان این نسل است و تمام دنیا منتظر آن لحظه هستند...

راوی این نتیجه‌گیری را بر یافته‌های فیلمش استوار کرده و به نظر می‌رسد برای این نتیجه‌گیری، مستندات قابل قبولی ارائه نمی‌کند. چنان‌که در نتیجه‌گیری هم از واژه «به نظر من» استفاده می‌کند که سندیت روایی ندارد. او برای جمله نهایی خود نیز، دلیلی قاطع ارائه نمی‌کند که چگونه «تمام دنیا منتظر آن لحظه هستند».

عوامل اصلی مورد استناد در فیلم؛

- لایلا، دانشجوی هنر و دوستانش
- تصاویر تحرکات دانشجویی کوی دانشگاه
- دانشجویانی که رهبر تظاهرات معرفی می‌شوند (تحکیم وحدت)
- حامیان خاتمی

1-Revolutionary journey

2-Amanpour

- خانواده امان پور
- گلی امامی، مدیر کتابفروشی زمینه
- فاطمه حقیقت‌جو
- موحدی ساوجی (تنها محافظه کار فیلم)
- حمیدرضا جلایی پور

چنانکه در عوامل مورد استناد در فیلم نیز مشاهده شد، وجه غالب، با گفتمان اصلاحات است و محافظه کاران حضور گفتمانی برابری در فیلم ندارند. شایان توجه است آن گفتمانی که از دل فیلم سر برمی آورد، گفتمان اصلاحات هم نیست، بلکه گفتمان سازمان رسانه‌ای «سی‌ان‌ان» است، که دال‌های گفتمانی اصلاحات را با توجه به خوانش خود روایت می‌کند و پیرامون دال مرکزی خود، به آن‌ها معنا می‌بخشد.

در واقع مستند امان پور، از ژانر مصاحبه بهره می‌گیرد و با بهره‌گیری از تصاویر، سعی می‌کند توصیف گفتمانی دلخواه خود را ارائه دهد. امان پور در این مستند گزارشی، سه گفتمان را در جامعه ایرانی ترسیم می‌کند، که مشخصاتشان به شرح زیر است؛

گفتمان عمومی	گفتمان محافظه کار و انحصار طلب	گفتمان اصلاح طلب و آزادی خواه
- خواهان دموکراسی واقعی - خواهان دوستی با آمریکا - برگزیننده فرهنگ آمریکایی - فریب خورده وعده‌های انقلاب - ترسان از حکومت - مخالف جدی حکومت - به ستوه آمده از دست محافظه کاران	- به قدرت چسبیده‌اند - از حمایت حداقلی مردمی هم برخوردار نیستند - اخذ مشروعیت از امام (تصویر از عکس امام بر روی موحدی ساوجی می‌آید) - بدون منطق (موحدی) - ستیزه‌گر با فرهنگ عمومی که متمایل به غرب است (توقیف نشاط به خاطر عکسی از زنان در حال رقص)	- تلاش برای تغییر رژیم - متشکل از مذهبی‌هایی که به دنبال آزادی برای مردم هستند. - اخذ مشروعیت از تظاهرات‌های عمومی، آراء عمومی و خواست آزادی عمومی

امان پور، در شرایطی گفتمان اصلاح طلب را خواستار تغییر رژیم معرفی می‌کند که خاتمی و اصحاب دوم خرداد، می‌گویند که تحول خواه‌اند و نه استحاله طلب. آنان، بخش عظیمی از مشروعیت خود را وامدار امام‌اند، در حالی که امان پور، محافظه کاران را رهرو امام، و اصلاح طلبان را در مقابل آنان قرار می‌دهد. با وجود این که بخش بزرگی از بدنه فکری طیف 2 خرداد را،

دانشجویان پیرو خط امام تشکیل می‌دهند، فیلم در صدد است بقبولاند که آنان خواستار امحای چنین تفکری‌اند.

تکیه امان‌پور به بکر و مستند بودن فیلم‌اش، برای استناد بیشتر به آن‌چه واقعیت معرفی می‌شود، نیز می‌تواند محل تأملی در فیلم باشد. شواهدی از این دست در اینجا آمده است؛

- هیچ‌کس تا کنون چنین نمایی از زندگی ایران را به تصویر نکشیده است
- من قسمتی از داستان خودم را بریتان شرح می‌دهم.
- اجازه فیلم‌برداری را به دوربین ما می‌دهند، با آن‌که می‌دانند چه خطری آن‌ها را تهدید می‌کند.

• من از زمانی که به ایران آمده‌ام با عده زیادی از مردم حرف زده‌ام، متدین، غیرمتدین، جوانان، پیران، روستائیان، شهری‌ها، همه می‌گویند آزادی می‌خواهند.

این اشارات مکرر به بازنمایی واقعیت، می‌تواند گفت‌مان مستند تلویزیونی را به گفت‌مان علمی نزدیک کند که بر پایه مستندات موجود، نتیجه‌گیری خود را بنا نهاده است، اما این تنها صورتی از این متن تلویزیونی است و با واشکافی متن، به نتیجه دیگری خواهیم رسید.

سیلوراستون، بر آن است که هر متن تلویزیونی به دنبال القاء یک قطعیت است (سیلوراستون¹، 1995). او می‌گوید؛ هدف اصلی مستندات تلویزیونی اقناع است. تاثیر اقناعی مستندات تلویزیونی، به مراتب از داستان‌پردازی بیشتر است. پویایی‌های خلاق تولیدکننده مستند، می‌تواند دیداری یا شنیداری باشد (همان). در اینجا، امان‌پور نیز با تکیه بر واقعی و عینی بودن روایت خود، سعی بر آن دارد که به باورپذیری و انسجام متن بیافزاید و مخاطب را همساز خود کند.

سیلوراستون، عناصری که یک متن تلویزیونی را به‌عنوان پدیده‌ای علمی معرفی می‌کند را چنین نام می‌برد (سیلوراستون، 1995)؛

1- ابهام اسمی: گاهی موضوع متن و تولیدکننده جای‌شان عوض می‌شود و تنها به نام متن و به کام صاحب اثر خواهد بود.

2- نقل قول‌ها: کثرت مشخصی از نقل قول‌ها در متن وجود دارد. در واقع رفرنس‌های متنی نه تنها زمینه‌های انتقادی از بحث اصلی متن را فراهم نمی‌کند، بلکه جایگاه پیام متنی را در یک تطور تاریخی بازشناسی می‌کند (نوعی استدلال)

3- حالت ارائه پیام به مخاطب:

1-Silverstone

الف) اقناع: ارائه پیام بدون استدلال و از طریق احساس. در این شیوه مخاطب منفعل در نظر گرفته می‌شود.

ب) استدلال: مخاطب را صاحب ذهن جستجوگر شناخته و سعی می‌کند از طریق مباحث و مستندات علمی، با مخاطب خود برخوردی علمی کند.

در متن موجود، به دفعات، با ابهام اسمی مواجهیم، درحالی‌که هدف این گزارش مستند تلویزیونی، رصد تحولات ایران عنوان می‌شود، امان‌پور، در جای جای فیلم دست به پیش‌بینی‌های پیامبرگونه‌ای می‌زند که بر پایه هیچ یک از مستندات فیلم نمی‌تواند باشد و این، تنها خوانش اوست که بر امر واقع در فیلم سوار می‌شود (به عنوان مثال جملات پایانی و نتیجه‌گیری). در نقل قول‌ها نیز، چنان که در دسته‌بندی گفتمان‌ها بر ساخته در فیلم عنوان شد، او تنها با چینش بخشی شده نقل قول‌ها، به دنبال آن است که آن را به خوانش گفتمانی خود درآورد. در رابطه با حالت ارائه پیام به مخاطب نیز، غالباً از طریق احساس و نه استدلال عمل شده است. نمونه‌هایی از این گونه حالت ارائه پیام را، در طرح تمایل مردم ایران به فرهنگ آمریکایی و ارزش‌گذاری مثبت فرهنگ غربی و آمریکایی در جای جای فیلم می‌توان دید؛

• در 1979، جوانان زیادی مرگ بر آمریکا گفتند، اما امروز لیلا موسیقی راک آمریکایی گوش می‌دهد؛ این امر نشان از آن دارد که در سال 1979 جوانان در شور و هیجانی بودند که در فیلم از آن سخن گفته می‌شود و امروز به تعقل و شعور نزدیک شده‌اند.

در این بیان تلویزیونی، امان‌پور با ارائه یک شاهد و مثال، نتیجه‌گیری‌اش را به کل جامعه ایرانی تسری می‌دهد که این نمی‌تواند یک استدلال علمی و منطقی باشد.

• موقع خروج از منزل، لیلا مانند هر زن دیگر ایرانی باید لباس رسمی بپوشد.

یعنی امان‌پور می‌گوید همه زنان ایرانی، زیر یوغ این باید هستند و این مختص لیلا نیست. در حالی‌که وابستگی به سنت، بخش عمده‌ای از جامعه ایرانی (اگر نگوییم غالب جامعه ایرانی) را نادیده می‌گیرد.

• در تابستان سال گذشته، مردم مخالفت خود را به نحو آشکار با حکومت نشان دادند و حالا به صورت مخفیانه عمل می‌کنند.

امان‌پور، در اینجا از حوادث تیر ماه 1378 کوی دانشگاه، با عنوان مخالفت آشکار مردم نام می‌برد و عدم ادامه اعتراضات را، به حساب مخالفت مخفیانه مردم می‌گذارد. حال آن‌که، تفاسیر متعددی از این عمل اجتماعی می‌توانست ارائه کند، که ترجیح او خوانش گفتمانی بود که این اعتراضات را به بدنه جامعه تسری دهد. او می‌توانست بگوید که مخالفان دستگیر شده‌اند و

اکنون کسی نیست که اعتراض کند، اما او ترجیح می‌دهد که مخالفت‌ها را در همه لایه‌های گونه‌گون جامعه تصویر کند.

امان‌پور در ادامه نمی‌تواند تمایلش را به فرهنگ آمریکایی انکار کند و با توجه به سیاست‌های سازمان رسانه‌ای خود در صدد نشر آن برنیاید. چنان‌که لوسی شانکلمن می‌گوید؛ می‌توان گفت که «سی.ان.ان»، در پی فتح مرزهای جغرافیایی جدید و نشر فرهنگ استقلال است، درست همان کاری که پیش‌تازان آمریکایی قرن‌ها قبل انجام دادند (شانکلمن، 1387: 319). البته مراد از فرهنگ استقلال، معنای لغوی آن نیست و فرهنگ آمریکایی مدنظر است. نمونه‌هایی از این دست را در این‌جا می‌آورم؛

- تهرانی که من می‌شناختم، مثل شهرهای آمریکا گسترش پیدا می‌کرد.
- فرهنگی که من می‌شناختم، به شدت غربی بود
- الآن پشت درها و درون خانه شبیه همان زمان بچگی من است.
- ارزش‌های قرن 7 با ارزش‌های جهانی‌شده قرن 21 دچار تناقض است. فرهنگی که با خودش در حال جنگ است.
- ایران یک جامعه اسکیزوفرنیک است. اینجا کشوری است که در آن بین سنت‌های کهنه اسلامی و جهانی‌شدن قرن 21 شکاف ایجاد شده.
- در قلب تهران مهارت زیادی برای دریافت فرهنگ آمریکایی وجود دارد.
- این دختر «سی.ان.ان» را نگاه می‌کند (تصویری از جستجوی لباس‌های جدید¹ به زبان انگلیسی)
- تصویر نمای درشت² از نگاه پر حسرت لیلا که به معاشقه‌ای در یک فیلم هالیوودی دوخته شده است
- کتاب‌های غربی پرفروشند
- لیلا دانشجوی هنر، می‌خواهد که عاشق شود. او از یک خواستگاری سنتی ایرانی وحشت دارد
- امان‌پور، در ژانر مصاحبه هم سعی بر آن دارد که گفتمان مطلوب خود را، گفتمان مسلط متن تلویزیونی قرار دهد. این برتری‌طلبی گفتمانی را می‌توان در دو مصاحبه اصلی متن دید.

1-up to date clothes
2-Close up

مصاحبه با موحدی ساوجی

نریشن: این اصلاحات با سد مقاومتی مواجه شده است (تصویر از عکس امام به موحدی ساوجی می‌رسد). برای کسی مثل موحدی ساوجی، یکی از نمایندگان مجلس و محافظه‌کارترین محافظه‌کاران.

• من از زمانی که به ایران آمده‌ام با عده زیادی از مردم حرف‌زده‌ام، متدین، غیر متدین، جوانان، پیران، روستائیان، شهری‌ها، همه می‌گویند آزادی می‌خواهند و از دست محافظه‌کارانی چون شما که خیلی هم سرسختید، خسته شده‌اند.

• ملت ایران از همان اول آزاد بودند، من معتقدم شما با عده‌ی کمی از مردم حرف زده‌اید.
• هر دفعه از یکی از محافظه‌کاران این سؤال را می‌پرسم می‌گویند با عده کمی حرف زده‌ای. 80% مردم دو بار در انتخابات ریاست جمهوری برای اصلاحات و آزادی رأی دادند، یعنی می‌گویند که این 80% کمند؟

• به آقای خاتمی رأی دادند که مشکلات اقتصادی مردم را حل کند نه اینکه صرفاً تغییرات سیاسی ایجاد کند.

• به نظر من شما پرت و پلا می‌گویید، با هر کسی که ما حرف زدیم، می‌گه آزادی می‌خوایم و اگر آزادی‌مان را نگیریم، منجر به یک انفجار می‌شود، فشارها زیاد شده، این را قبول ندارید؟

• نه‌خیر.

• شما روزنامه‌ها را می‌بندید و روزنامه‌نگاران را هم به زندان می‌فرستید. شما می‌خواهید صدای مخالف روزنامه‌نگاران را ساکت کنید؟

• من فکر نمی‌کنم هیچ جایی در دنیا همه آزاد باشند هر چه که می‌خواهند بگویند. مثلاً در امریکا آیا کسی می‌تواند علیه امنیت ملی و منافع ملی حرفی بزند؟

• بله می‌توانند.

• ولی من یک سؤال دارم، شما فکر نمی‌کنید که آنها بیمار باشند و تعادل روانی نداشته باشند

من برگشتم به طرف مترجمم تا ببینم درست شنیده‌ام یا نه (تصویر پاک کردن عرق پیشانی موحدی).

• پس آنها مردمی هستند که تعادل ندارند و می‌خواهند اغتشاش کنند؟

• بله

• من فکر می‌کنم که آن‌ها انسان‌های شجاعی هستند که برای بدست آوردن آزادی می‌جنگند و شما روزنامه‌هایشان را می‌بندید، چون از چیزی که می‌گویند، خوششان نمی‌آید. من فکر می‌کنم که آنها چقدر شجاعند که هر دفعه بسته می‌شوند و دوباره شروع به کار می‌کنند.

• اگر این شجاعت است پس زندانی‌ها هم شجاع هستند، با هر جنایتی که کرده‌اند، زیرا آنها این شجاعت را داشته‌اند که قانون را زیر پا بگذارند.

متن فوق، بیشتر یک چالش نظری و گفتمانی است، تا یک مصاحبه برای دریافتن آراء و نظرات فرد مصاحبه‌شونده. فارغ از جواب‌هایی که موحدی ساوجی می‌دهد، امان‌پور، تنها بر آن است که خوانش گفتمانی خود را بر گفته‌های او مسلط کند. استفاده مکرر از جملات خبری و اظهار نظرات مبسوط، و به‌کارگیری واژه‌هایی چون «به نظر من» و «من فکر می‌کنم» دالی بر این معناست. بهره‌گیری از تصویر نیز در جهت برتری گفتمان راوی است. او با تصویر، سعی می‌کند که مشروعیت محافظه‌کاران را در سایه مشروعیت امام خمینی تعریف کند و در نتیجه، به این جمع‌بندی برسد که مشروعیت اصلاح‌طلبان که در تقابل با محافظه‌کاران قرار دارند، هیچ نسبیتی با امام خمینی ندارد.

مصاحبه با جلالی‌پور

نریشن: حمیدرضا جلالی‌پور، روزنامه‌نگاری است که زندانی و تهدید شده، زیرا در روزنامه‌اش درباره محافظه‌کاران انحصارطلب مطلب نوشته. محافظه‌کارانی که مخالفشان به خاطر آزادی است.

• روزنامه نشاط را که بستند، ما دو روزنامه تأسیس کردیم و اگر این دو را ببندند، فکر کنم 4 روزنامه تأسیس کنیم.

• سعی کردند ساکتت کنند؟

• بله، بعد از بستن روزنامه ام، 27 روز در سلول انفرادی بودم.

دفعه اول به این علت روزنامه‌اش را بستند که یک سری عکس از کسانی که داشتند ورزش می‌کردند، چاپ کرده بود و محافظه‌کاران گفتند که آن‌ها در حال رقصیدن هستند.

• از نظر ما همه از سران تا بدنه نظام باید به مردم پاسخ‌گو باشند.

آن مردی که محافظه‌کاران می‌گویند به اسلام توهین می‌کند، در حقیقت یک مذهبی مقدس است و یک مسلمان واقعی است (تصویر نمازخواندن جلالی‌پور).

- تو که این چیزها را می‌نویسی و تهدید و زندانی هم شده‌ای آیا نمی‌ترسی؟
- بعضی وقت‌ها
- وقتی زندانی بودم گروه فشار خانواده من را تهدید به کشتن کردند.
- محافظه‌کاران نیروهای مسلح و اهرم‌های قدرت را در اختیار دارند، شما چی دارید؟
- ما افکار عمومی و پشتیبانی مردم را داریم.. آنها قدرت سیاسی دارند، اما پایگاه اجتماعی ندارند، در این قرن این پایگاه اجتماعی است که مهم است.
- در مصاحبه با جلالی‌پور نیز رویکرد امان‌پور، بیشتر نشان دادن تقابل محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان است و در هیچ‌جای مصاحبه، از منابع مشروعیت اصلاح‌طلبان و اهداف اجتماعی آنان سخنی در میان نیست. این امر را نیز می‌توان در راستای به کرسی نشاندن خوانش خود در گفتمان عمومی دید.

ب) تحلیل کردارهای گفتمانی تولید، توزیع و مصرف متن؛

در تحلیل کارکرد گفتمانی متن، باید که شبکه خبری «سی.ان.ان» و مخاطبان آن را مورد بازشناسی قرار دهیم.

«سی.ان.ان»، شبکه خبری کابلی پخش‌کننده برنامه خاص، متمرکز روی پخش شبانه‌روزی اخبار است. این شبکه در سال 1980 میلادی به عنوان یک شرکت اقماری شرکت سیستم‌های پخش برنامه ترنر¹ ارتباطاتی با محصولات متنوع دارای منافعی در زمینه تفریحات، سندیکای خبری، صدور مجوز ورزش‌ها و املاک و مستغلات، بنیان‌گذاری شد (شانکلن، 1387: 118).

«سی.ان.ان» یک شبکه خبری 24 ساعته با نگرش جهانی است که پخش آن زنده است. این شبکه بر متفاوت بودن محتوای خبر خود با نحوه ارائه اساساً متفاوت با شیوه معمول شبکه‌های ایالات متحده تأکید دارد.

گفته می‌شود که «سی.ان.ان» تعریف خبر را از «آن‌چه اتفاق افتاده است» به «آن‌چه در حال اتفاق افتادن است» تغییر داده است (شانکلن، 1387: 121). این بیان، اثرگذاری بالای رسانه‌ای چون «سی.ان.ان» را بر تحولات جهانی نشان می‌دهد.

1-TBS

در این شبکه، لبه‌های تیز کار در معرض دید است و این احساس را در بیننده به وجود می‌آورد که خبر فوری تهیه شده و اصیل است و آن‌ها خبر را حین وقوع آن مشاهده می‌کنند (جاکوبسن¹، 2007).

یک ویژگی غیر معمول «سی.ان.ان»، نگرش آن به منابع انسانی است. مجموعه‌ای از عناصر برنامه‌ریزی‌نشده، گرد هم آمده تا سیستمی را به وجود آورند که نه تنها انگیزه کارکنان افزون گردد، بلکه باعث افزایش انعطاف‌پذیری سازمان هم می‌شود. بسیاری از کارکنان در «سی.ان.ان»، به دلیل سبک مدیریت غیر معمول، آزاد و غیر متمرکز جذب شده‌اند. آنها خودمختاری شایان توجهی دارند (البته به شرط آن‌که مفهوم و دید مورد نظر سازمان را درک کرده باشند) (شانکلمن، 1387: 169). آن‌ها تشویق می‌شوند که به صلاحدید خود، به نوآوری دست بزنند. این موضوع را می‌توان در روایت امان‌پور و مستند گزارشی او دید. امان‌پور می‌تواند رویکرد تئوریک خود را، در صورتی که در تبیین با ساختار رسانه متبوعش نباشد، بیان کند. «سی.ان.ان» دست گزارشگر خود را باز گذاشته است که نگاه خود را در قاب رسانه به مخاطبان عرضه کند.

از دیگر سو، «سی.ان.ان» هیچ یارانه‌ای از دولت دریافت نمی‌کند و بنابراین مجبور نیست مانند پخش‌کنندگان دولتی برنامه پاسخگوی نیروهای سیاسی باشد، بلکه باید فقط مقررات ملی حاکم بر کار پخش برنامه را رعایت کند (شانکلمن، 1387: 175). این امر را باید در این راستا فهمید که؛ پخش برنامه در ایالت متحده قطعاً تجاری است (بهادر²، 2007). البته این نکته، به هیچ‌وجه به این معنا نیست که این شبکه رویکردی سیاسی در متون تلویزیونی خود ندارد.

مدیر «سی.ان.ان»، در مصاحبه‌ای گفته بود که سیاستمداران به ما نیاز دارند چون باید با مردم ارتباط برقرار کنند (شانکلمن، 1387: 176). حتی ادعا شده که توانایی منحصر به فرد «سی.ان.ان»، برای پوشش دادن به اخبار تازه در نقاط دور از دسترس دنیا، آن را به دستیار دولت تبدیل کرده است. بنابراین بیهوده نیست که مادلین آلبرایت – وزیر خارجه سابق ایالات متحده – «سی.ان.ان» را به عنوان عضو شانزدهم شورای امنیت توصیف کرده است (شانکلمن، 1387: 176). البته «سی.ان.ان» سازمانی نیست که تأکید زیادی روی اعلام مواضع،

1-Jacobsen

2-Bahador

استراتژی‌ها و اهداف خود به طور علنی داشته باشد (جاکوبسن، 2007). بلکه برای شناخت استراتژی‌ها و مواضع سیاستگذاران سیاسی، باید خوانشی دقیق از فضای بین خطوط داشت. «سی.ان.ان»، دقیقاً مراقب تحولات محیطی است و یک جزء مهم این کار، جستجوی فرصت‌های احتمالی است (شانکلن، 1387: 239). این امر، لزوم رصد تحولات آینده را در پی دارد و این شبکه ناگزیر از آن است که، ضریب محتمل خطا در ارزیابی تحولات آینده را به جان بخرد تا بتواند پیشتازی خود در عرصه خبر را حفظ کند. در فرهنگ «سی.ان.ان»، تحمل زیادی نسبت به فقدان قطعیت وجود دارد (فارگت¹، 2006) و به نظر می‌رسد همین فقدان قطعیت است که مخاطب را در تعلیقی روایی فرو می‌برد و او را مجاب به پیگیری تحولات جهانی از این شبکه می‌کند.

می‌توان گفت که «سی.ان.ان»؛ در پی فتح مرزهای جغرافیایی جدید و نشر فرهنگ استقلال است، درست همان کاری که پیشتازان آمریکایی قرن‌ها قبل انجام دادند (شانکلن، 1387: 319). البته با توجه به رویکرد تمجیدی شانکلن، این حرف او را می‌توان این‌گونه به دایره خوانش درآورد که «سی.ان.ان»، در پی نشر فرهنگ آمریکایی است، فارغ از ارزش‌گذاری مثبت یا منفی این فرهنگ که مجالی دیگر را طلب می‌کند.

با توجه به انگلیسی و عربی بودن زبان شبکه «سی.ان.ان»، می‌توان مخاطبان آن را مخاطبان بین‌المللی دانست و حوزه نشر آن را نیز محیط بین‌الملل قلمداد کرد. البته غالب مخاطبان این شبکه را انگلیسی‌زبانان و به خصوص اهالی آمریکای شمالی تشکیل می‌دهند (جاکوبسن، 2007).

ج) تحلیل کردارهای اجتماعی و فرهنگی شکل‌دهنده کردارهای گفتمانی و متون؛

در پرده سوم، تحلیل گفتمان متن رسانه‌ای مورد مطالعه، کردارهای اجتماعی و فرهنگی را که کردارهای گفتمانی را در چارچوب خود می‌گیرند، مطالعه می‌شود. در ادبیات اصحاب دوم خرداد، آنچه بیشتر به چشم می‌آید، مفارقت و دیگری‌سازی نسبت به محافظه‌کاران است. به عنوان مثال، جلایی‌پور می‌گوید؛ پدیده دوم خرداد حرکتی است جمعی، که حول شکاف سیاسی طرفداران مردم‌سالاری و مخالفان آن شکل گرفته است؛ کسانی که به حق برابر سیاسی قائلند و کسانی که به حق ویژه قائلند و از نظارت حداکثری استصوابی در فرایند انتخابات دفاع می‌کنند (جلایی‌پور، 1381: 30). درحالی‌که، همین مفارقت و عدم

1. Forgette

تکرار ریشه‌ها و بنیان تفکری، می‌تواند به مسلط شدن گفتمانی چون گفتمان «سی.ان.ان» کمک کند. با این‌که جلایی‌پور در جای دیگری می‌گوید؛ رخداد دوم خرداد از جهاتی شباهت‌هایی با انقلاب اسلامی داشت (جلایی‌پور، 1378: 32)، اما وجه تشابه آن را ذکر نمی‌کند و برعهده خواننده می‌گذارد. بنابراین، تمرکز گفتمان اصلاحات بر تمایز از دیگری است و نه تبیین بنیادین خویشتن.

حجاریان می‌نویسد؛ پس از اصلاحات، گفتمان جدیدی درست شد. خودش خیلی مهم است. گفتمانی که در آن جامعه مدنی، قانون‌گرایی، حقوق ملت، حق حاکمیت مردم و شایسته‌سالاری مطرح می‌شود. الآن، محافظه‌کاران هم همه شعار شایسته‌سالاری می‌دهند و با ادبیات آقای خاتمی صحبت می‌کنند و این خیلی مهم است که رقیب شما مجبور شود با ادبیات شما صحبت کند (حجاریان، 1379: 26). در این‌جا هم، تنها دیگری سیاسی و رقیب است که وضوح بیشتری پیدا می‌کند و نه بن‌مایه‌های اصلاحات.

جلایی‌پور، در تعلیل تداوم جنبش 2 خرداد هشت دلیل را ذکر می‌کند که عبارتند از (جلایی‌پور، 1381: 78-84)؛

- پایبندی جنبش به راهبرد مسالمت‌آمیز (ایستادگی شهروندی و صبر مدنی)
 - رشد مطبوعات در حوزه مدنی
 - ائتلاف و انسجام نسبی گروه‌های دوم خردادی و ائتلاف نانوشته گروه‌های ملی - مذهبی با آنها
 - نقش شبکه‌ای از روابط نامحسوس در میان اقشار تحصیل کرده در مراکز علمی، صنعتی و فرهنگی
 - دفاع جنبش از ارزش‌های جهانی (مانند آزادی، عدالت و حقوق بشر)
 - حمایت اغلب جنبش‌های خرد اجتماعی
 - آثار جهانی شدن که تسهیل انتقال معرفت و آگاهی را منجر شده است، خفقان خبری مخالفان را از بین برده و ارتباط ایرانیان داخل و خارج را آسان کرده است.
 - توهم مخالفان دوم خرداد از قدرت خود و پیامدهای مثبت آن برای جنبش دوم خرداد
- او باز هم تنها با انتساب اصلاحات به ارزش‌های جهانی و مقاومت‌های مدنی، بر آن است که تداوم جنبش 2 خرداد را، حسن تعلیلی بیابد. در این گفتار هم رجوعی به امام خمینی و ارزش‌های انقلاب به میان نیامده است. بدیهی است عدم استفاده از دال گفتمان رقیب که در

گفتمان دیگری مفصل‌بندی شده است، سبب عدم تعریف دقیق گفتمان خودی را فراهم آورده است. این امر می‌تواند از دلایل روی کار آمدن گفتمان سومی، چون گفتمان «سی.ان.ان» باشد. از دیگر سو، محافظه‌کاران نیز، تنها بر طبل جدایی و دیگری‌سازی می‌کوبیدند. روزنامه کیهان در مقاله‌ای با عنوان از آمریکای بد تا آمریکای خوب، می‌نویسد؛

تجدید نظرطلبان که به شدت دچار بحران مسکنت تئوریک برای توجیه ضرورت رابطه با آمریکا هستند... در توجیهات خود، به داشتن خوی استکباری ایالات متحده که مفهومی قرآنی و جاری و ساری در اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی و امام‌خیمینی (ره) است، اشاره‌ای نمی‌کنند (قمری‌وفا، 1381: 82). استفاده از واژگانی چون تجدید نظرطلبان، مدعیان اصلاح-طلبی، اصلاحات آمریکایی و اصلاح‌طلبان دروغین به جای اصلاح‌طلبان، نشانگر سعی محافظه‌کاران در نفی ریشه‌های اصلاح‌طلبان دارد و وجوه مشترک را زیر سؤال می‌برد.

کیهان می‌نویسد؛ ولایت فقیه از نهایی‌ترین اهداف پروژه اصلاحات آمریکایی است که در مطبوعات داخل کشور مورد هجمه قرار گرفته است (قمری‌وفا، 1381: 50). در این‌جا نویسنده کیهان، نوشته‌های مطبوعات را که به تبع اصلاحات، آزادتر می‌نویسند، به جنبش اصلاحات نسبت داده است و آن را مانیفست اصحاب دوم خرداد معرفی می‌کند. او در ادامه می‌گوید؛ سمپاشی‌های روانی در افکار عمومی، درحالی‌که به لطافت صورت می‌گرفت که روزنامه‌های زنجیره‌ای در طول چندسال اخیر، در جریان‌سازی رسانه‌ای خود، با انبوه تیتراهای هجومی، به اذهان عمومی حمله می‌کردند و امنیت ملی را در سراسیمگی سقوط قرار می‌دادند (قمری‌وفا، 1381: 51).

هفته‌نامه «پاران بسیجی»، در تیرماه 1379 گزارشی تحلیلی از حوادث کوی دانشگاه را با این تیتراژ چاپ کرد؛ زمینه‌های بحران کوی دانشگاه؛ دشمن چگونه نفوذ کرد؟ (قمری‌وفا، 1381: 127). این تیتراژ نیز، نفوذ دشمن را پیش‌فرض گرفته است و طبیعی است که به دیگری‌سازی و هم‌داستان‌نمایی گفتمان رقیب با دشمن منجر خواهد شد.

بنابر آن‌چه رفت، دوگفتمان اصلاح‌طلب و محافظه‌کار، حروف پررنگ نوشته‌هایشان را به دیگری‌سازی گفتمانی و نفی رقیب اختصاص دادند و از ریشه‌های مشترک، کمتر سخنی به میان آمده است.

نتیجه‌گیری

مطالعه گفتمان متن رسانه‌ای «سی.ان.ان»، وجوه پنهانی از روابط قدرت را بروز می‌دهد که نشان از تفاوت نتیجه، در صورت گزینش دیگرگون گفتمان سیاسی قالب دارد. در صورت

پذیرش تكثر قدرت در سطوح مختلف جامعه و چارچوب‌بندی نظم سیاسی با گفتمان قدرت فوکویی، مشروعیت نیز سطح‌بندی شده و با زیر سؤال رفتن بخشی از مشروعیت سیستم، تمامیت آن زیر سؤال نمی‌رود و دوام مشروعیت کل به بقای مشروعیت اجزای آن وابسته نیست.

آنچه بیان شد، نشان می‌دهد که یک مفصل‌بندی خاص از ژانرها و گفتمان‌ها در درون آمیزه‌ای ژانری، اثر خاصی از قدرت می‌سازد که با یک وضعیت خاص از روابط هژمونیک در ارتباط است و نشان از وجود نزاع هژمونیک در لایه‌های مختلف اجتماع دارد.

کریستین امان‌پور، آمیزه ژانری نظم‌های گفتمان را به شکل‌های خاصی با یکدیگر مفصل‌بندی می‌کند، و وضعیت ویژه عاملین را در ارتباط با ژانرها قرار می‌دهد، تا گفتمان «خودی»‌اش را مسلط کرده و مخاطبان را تشویق کند که از دریچه نگاه او تحولات ایران را دنبال کنند.

آنچه بیش از هر چیز دیگر در متون مطالعه شده خود را به رخ می‌کشد، تمامیت‌انگاری گفتمانی است که با حمل گفتمان مشروعیت وبری، با همه چیز و با هیچ چیز را طلب می‌کند. این تمامیت‌انگاری، در کردار اجتماعی بین دو جناح اصلاح‌طلب و محافظه‌کار، موجب سر برآوردن گفتمان سومی می‌شود که آن هم شالوده‌اش را، بر تمامیت‌خواهی گفتمان مشروعیت وبری می‌گذارد. این درحالی است که دو گفتمان اصلاح‌طلب و محافظه‌کار، هیچ یک گفتمان سومی را که در نتیجه رویکرد وبری در حوزه عمومی به وجود می‌آید را بر نمی‌تابند و تنها نگاه وبری به قدرت و مشروعیت است که در نتیجه کردار گفتمانی این دو جناح، در اذهان عمومی جاگیر می‌شود و زمینه‌ساز مسلط شدن گفتمان سومی می‌شود که بر گفتمان وبری حاکم سوار می‌شود و معنای سومی را می‌سازد که نه خواسته اصلاح‌طلبان است و نه محافظه‌کاران.

داعیه این قلم این است که در صورت پذیرش و تسری گفتمان فوکویی قدرت و به تبع آن گفتمان مشروعیت فوکویی، دیگر آن زهد چهل ساله به نرگس مستانه‌ای، اسیر باد نخواهد شد و تمامیت‌انگاری، جایش را به تكثر پذیری قدرت و لایه‌ای دیدن مشروعیت خواهد شد.

در تحلیل گفتمان مستند «سی‌ان‌ان»، نیز این معنا را باید در ذهن داشت، چه آنکه بنیان راوی، بر گفتمان مشروعیت وبری است و در صورت عدم پذیرش این گفتمان در حوزه عمومی، دیگر متن رسانه‌ای جایگاه خود را از دست خواهد داد.

بنابراین، آن چه در نگرش گفتمانی رسانه‌ای حائز اهمیت است و عدم رعایت آن در متون سیاسی رسانه‌ای، می‌تواند موجب تأثیرات عکس در مخاطبان شود، گزینش رویکرد گفتمانی

وبری است. این درحالی است که در صورت مسلط کردن گفتمان فوکویی قدرت و مشروعیت در رسانه‌های خودی، تسری گفتمانی آن در رسانه‌های «دیگری» نیز قابل رؤیت است و مخاطبان، با آن متون رسانه‌ای نیز با گفتمان خویشتن که همانا گفتمان فوکویی خواهد بود، برخورد خواهند کرد.

اینجاست که پیش‌گیری از بحران مشروعیت در حوزه عمومی رابطه تنگاتنگی با گفتمان عمومی غالب در متون رسانه‌ای پیدا خواهد کرد. از این‌رو، می‌بایست پیش از شکل‌گیری و همه‌گیر شدن بحران مشروعیت، زمینه‌های ایجاد و گسترش آن را شناخت و رویکردی پیش‌گیرانه در مقابل آن اتخاذ کرد. امید که مقاله حاضر توانسته باشد گامی مؤثر در پیش‌گیری از بحران مشروعیت بردارد.

منابع

- جلالی‌پور، حمیدرضا (1378) پس از دوم خرداد: نگاهی جامعه‌شناختی به جنبش مدنی ایران 1376-1378، خاطرات و یادداشت‌های مدیرمسئول روزنامه جامعه، تهران: کویر.
- جلالی‌پور، حمیدرضا (1381) جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد، تهران: طرح نو.
- حجاریان، سعید (1379) تاوان اصلاحات: مجموعه مقالات، تهران: موسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- سجودی، فرزانه (1380) ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی و مطالعات ادبی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، مجموعه مقالات ترجمه شده از سوسور و دیگران.
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر (1384) قدرت، گفتمان و زبان؛ سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر نی.
- شانکلمن، لوسی (1387) مدیریت سازمان‌های رسانه‌ای در BBC و «CNN»، ترجمه ناصر بلیغ، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- عالم، عبدالرحمن (1380) بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (1379) تحلیل انتقادی گفتمان، گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ دوم، 1384.
- فیرحی، داود (1378) قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نشر نی.
- قمری‌وفا، مرتضی (1381) براندازی در سکوت: آسیب‌شناسی دوران گذار به جامعه مردم سالار دینی، تهران: انتشارات کیهان.

- کاسیرر، ارنست (1366) زبان و اسطوره، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نقره.
- کالوه، لویی. ژان (1379) درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: انتشارات نقش جهان.
- مک‌دانیل، دانیل (1380) مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسین‌علی نوذری، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- نقیب‌زاده، احمد (1384) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- هایرماس، یورگن (1380) بحران مشروعیت، ترجمه جهانگیر معینی، تهران: انتشارات گام نو.

Bahador, Babak (2007) *The CNN Effect In Action*, published by Palgrave Macmillan, US.

Fairclough, Norman (1998) *Political Discourse in the Media*, chapter 5 of; Bell, Allan and Garrett, Peter (1998) *Approaches to Media Discourse*, published by Blackwell, UK , US. pp142-163.

Forgette, Richard (2006) *High-Conflict Television News and Public Opinion*, Political Research Quarterly, sage publication.

Held, David (1984) *Political Theory and the Modern State*, Oxford, polity press.

Held, David (1987) *Models of Democracy*, Cambridge: Polity Press. Indirect, Journal of Peace Research, sage publication.

Jacobsen, peter viggo (2007) *Focus on the CNN Effect Misses the Point: The Real Media Impact on Conflict Management is Invisible and Indirect* ,sage publication..

Laclau, Ernesto (1980) *Populist Rupture and Discourse*, trans. Jim Greal, Screen Education.

Pecheux, Michel (1982) *Language, Semantics and Ideology: Stating the Obvious* [1975] trans, Harbans Nagpal, London: macmillan.

Silverstone, Roger, Eric Hirsch and David Morley (1995) *The Agonistic Narratives of Television Science*, in John Corner, (ed.) *Documentary and the Mass Media*, London: Edward Arnold, pp. 81-106 .